

آیات انتظار

جلد اول

شرح و تفسیر ۳۰ آیه مهدوی

محمد رضا نصوری

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج استان مازندران

اعتقاد به مهدویت و انتظار فرج، از ریشه‌دارترین باورهای اسلامی و از ارکان مهم اندیشه شیعی است؛ باوری که ریشه در متن قرآن کریم دارد و در پرتو سنت اهل بیت علیهم السلام تبیین و تفسیر شده است. قرآن، کتاب هدایت بشر در همه اعصار، تنها به بیان احکام و معارف فردی بسنده نکرده، بلکه با ترسیم آینده تاریخ انسان، افقی روشن از غلبه نهایی حق، استقرار عدالت و تحقق حاکمیت صالحان را پیش روی مؤمنان نهاده است. این افق روشن، همان حقیقتی است که در آموزه‌های روایی با عنوان ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخته می‌شود.

اگرچه نام مبارک امام زمان علیه السلام به صورت صریح در آیات قرآن نیامده است، اما آیات فراوانی با تعبیر وعده، بشارت، وراثت، استخلاف و غلبه دین حق، ناظر به حقیقتی اند که در تفسیر اهل بیت علیهم السلام بر وجود حجت الهی در آخر الزمان و تحقق دولت کریمه ایشان تطبیق یافته‌اند. از این رو، آیات مهدوی نه آیات تأویل بردارِ صرف، بلکه بخشی از منظومه هدایت قرآنی اند که بدون مراجعه به روایات معتبر، فهم کامل آن‌ها میسر نخواهد بود.

تفسیر آیات مهدویت، افزون بر بُعد اعتقادی، نقشی بنیادین در تربیت فکری و اجتماعی جامعه منتظر ایفا می‌کند. این آیات، انتظار را از حالتی ذهنی و منفعل، به رویکردی آگاهانه، مسئولیت‌محور و مبتنی بر سنت‌های قطعی الهی تبدیل می‌سازند و مؤمن را در جایگاه کنشگر تاریخ قرار می‌دهند، نه تماشاگر آن.

این جلد، به عنوان آغاز یک مجموعه تفسیری، به بررسی سی‌آیه از آیات قرآن کریم اختصاص یافته است؛ به گونه‌ای که هر جزء از این کتاب، به تفسیر یک آیه مرتبط با مهدویت و امام زمان علیه السلام پرداخته و تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع معتبر تفسیری، روایی و کلامی، نسبت آن آیه با مسئله ظهور و سنت‌های حاکم بر آخر الزمان تبیین گردد.

انتخاب این شیوه، ضمن ایجاد نظم آموزشی، امکان تأمل تدریجی و عمیق در آیات را برای طلاب علوم دینی و پژوهشگران فراهم می‌آورد.

بدیهی است که گستره آیات مهدوی قرآن، محدود به این تعداد نیست و این اثر، تنها گامی ابتدایی در این مسیر به‌شمار می‌آید. امید آن است که با توفیق الهی، **جلدهای بعدی این مجموعه** نیز تدوین گردد و آیات بیشتری از منظر مهدویت، در پرتو قرآن و عترت، مورد بررسی و تفسیر قرار گیرد؛ باشد که این تلاش، سهمی هرچند اندک در تعمیق معرفت قرآنی نسبت به امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف و تقویت فرهنگ انتظار آگاهانه در جامعه اسلامی داشته باشد.

محمد رضا نصوری

۲۵ شعبان ۱۴۴۷

۲۵ بهمن ۱۴۰۴

شماره ۱: راه روشن هدایت (تفسیر آیات مهدوی - جزء اول)

سوره مبارکه حمد، آیات ۴ و ۷

در طلعه‌ی قرآن کریم و در سوره مبارکه حمد، اشارات لطیفی به وجود مقدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد. با استناد به روایات واصله از معصومین (علیهم السلام)، دو آیه از این سوره مبارکه قابل تأمل و بررسی است:

۱. درخواست صراط مستقیم:

در آیه چهارم، بندگان از خداوند متعال درخواست می‌کنند: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (ما را به راه راست هدایت فرما). مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) درباره حقیقت «صراط» پرسش نمود. حضرت در پاسخ فرمودند: «صراط، راهی به سوی شناخت خداوند عزوجل است و دو گونه می‌باشد: صراطی در دنیا و صراطی در آخرت».

حضرت در تبیین «صراط دنیوی» نکته‌ای بسیار حائز اهمیت بیان فرمودند: «فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا»؛ صراط در دنیا، همان امامی است که اطاعت از او واجب است. هر کس او را در دنیا بشناسد و از او پیروی کند، از صراط آخرت نیز به سلامت عبور خواهد کرد. این تفسیر بیانگر آن است که در دوران غیبت، امام عصر (عج) مصداق اتم صراط الهی است و اطاعت از ایشان، انسان را به مقام بندگی حقیقی می‌رساند. در روایتی دیگر نیز امام صادق (علیه السلام) صراط مستقیم را «راه و شناخت امام» معنا کرده‌اند.

۲. ضرورت شناخت امام و دوری از گمراهی:

در آیه هفتم سوره حمد می‌خوانیم: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه راه غضب‌شدگان و نه گمراهان).

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر واژه «الضَّالِّینَ» (گمراهان) می فرماید: آنان شک کنندگان و کسانی هستند که امام زمان خود را نمی شناسند.

بنابراین، صراط مستقیم مسیری است که انسان را از قرار گرفتن در زمره گمراهان و شکاکان حفظ می کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز بر این مهم تأکید ورزیده و فرموده اند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است).

قرآن کریم در آیات دیگر (مانند آیه ۶۹ سوره نساء و آیه ۵۹ سوره مریم)، کسانی را که مورد نعمت الهی قرار گرفته اند، انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین معرفی می کند. انسان منتظر، با الگوگیری از این بزرگان و توسل به «ثقلین» (قرآن و عترت)، از خداوند می خواهد که او را در مسیر ولایت ثابت قدم بدارد. همان گونه که پیامبر اسلام (ص) فرمودند، تمسک هم زمان به قرآن و اهل بیت مانع از گمراهی ابدی خواهد شد.

شناخت امام، تنها بخشی از زندگی نیست، بلکه روحی است که باید بر تمام شئون حیات انسان حاکم باشد؛ چرا که غایت خلقت، عبودیت است و عبودیت حقیقی جز از مسیر شناخت حجت خدا حاصل نمی شود.

شماره ۲: میعادگاه یاران (تفسیر آیات مهدوی - جزء دوم)

سوره مبارکه بقره، آیه ۱۴۸

خداوند متعال در آیه ۱۴۸ سوره بقره می فرماید:

«وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

(هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوید. هر جا باشید، خداوند همه شما را حاضر می‌کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست.)

این آیه شریفه، تصویری روشن از اجتماع یاران حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ترسیم می‌کند. امام سجاد (علیه السلام) در تفسیر این آیه، به هسته مرکزی یاران امام اشاره نموده و می‌فرماید: «کسانی که بسترهای خود را برای یاری امام زمان ترک می‌کنند، ۳۱۳ نفر به تعداد اصحاب بدر هستند. آنان خود را به مکه می‌رسانند و مصداق این کلام الهی‌اند که فرمود: هر جا باشید خدا شما را گرد می‌آورد.»

ویژگی‌های یاران موعود:

هر جنبش و قیام بزرگ الهی، نیازمند یارانی تربیت یافته و اثرگذار است. تاریخ گواه است که غربت امیرالمؤمنین (ع)، صلح امام حسن (ع) و واقعه عاشورا، همگی ریشه در فقدان یا کمبود یاران بصیر و وفادار داشت. از این رو، قیام جهانی مهدوی نیازمند یارانی است که در تراز این حکومت باشند. امام باقر (علیه السلام) نیز در روایتی قسم یاد می‌کنند که این ۳۱۳ نفر (که ۵۰ نفر آنان را زنان تشکیل می‌دهند) بسان قطعه‌های ابر پاییزی، بدون وعده قبلی در مکه گرد هم می‌آیند.

علاوه بر این کادر اصلی فرماندهی، حلقه‌های دیگری از یاران نیز وجود دارند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) خروج نمی‌کند مگر به همراه یارانی نیرومند که کمتر از ده هزار نفر نیستند.»

مهم‌ترین ویژگی‌های این یاران عبارت است از: معرفت عمیق، صلابت ایمانی، ایثار، گذشت و نگاهی جهانی که فراتر از منافع شخصی و قومی است. آنان فداییان امام خویش‌اند. وظیفه جامعه منتظر در دوران غیبت، احیای این ویژگی‌ها در نظام تربیتی و سبک زندگی است تا با ایجاد آمادگی عمومی، زمینه را برای آن جامعه توحیدمحور، عدالت‌گستر و سرشار از معنویت فراهم آورند.

شماره ۳: ریسمان محکم الهی (تفسیر آیات مهدوی - جزء سوم)

سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۶

سومین فراز از مباحث آیات مهدوی، به آیه ۲۵۶ سوره بقره اختصاص دارد که به موضوع توسل به «عروۃ الوثقی» (ریسمان محکم الهی) اشاره می‌کند:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا...»

(در دین هیچ اجباری نیست، زیرا راه رشد از گمراهی روشن شده است. پس هر کس به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده که گسستنی برای آن نیست...)

تمسک به ولایت، مصداق عروۃ الوثقی:

یکی از بارزترین مصادیق تمسک به ریسمان الهی، اتصال به اولیای خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کلامی نورانی خطاب به مردم فرمودند: «هر کس دوست دارد به عروۃ الوثقی تمسک جوید، باید به ولایت علی (علیه السلام) متمسک شود؛ زیرا ولایت او ولایت من و اطاعت از او اطاعت از من است.»

ایشان در پاسخ به پرسش جابر بن عبدالله انصاری درباره تعداد ائمه فرمودند: «ای جابر! از تمام اسلام پرسیدی. تعداد آنان به شمار ماه‌های سال (دوازده ماه) و به تعداد چشمه‌هایی است که برای موسی (ع) جوشید.» سپس پیامبر اکرم (ص) تصریح فرمودند که اول ایشان علی (ع) و آخرینشان حضرت مهدی (عج) است. این روایت، مسیر هدایت را از زمان رسالت تا عصر غیبت ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که امروز، مصداق اتم «عروۃ الوثقی»، وجود مقدس امام زمان (عج) است.

پذیرش دین بر مبنای برهان:

عبارت «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» بیانگر آن است که دین اسلام، دین منطق و استدلال است و نیازی به اجبار ندارد. دین متشکل از سه ضلع عقاید، احکام و اخلاق است و پذیرش ولایت امام عصر (عج) نیز باید بر پایه شناخت و معرفت عمیق باشد، نه صرفاً احساسات زودگذر.

شرط تمسک به این ریسمان الهی، کفر ورزیدن به طاغوت است. هر تکیه گاهی غیر از خدا، فانی و گسستی است، اما پیوند با ولایت، پیوندی ناگسستی («لَا أَنْفِصَامَ لَهَا») است. همان طور که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ» (هر کس به شما تمسک جوید، به خدا تمسک جسته است).

بنابراین، راه مستقیم هدایت و دوری از شیطان، تنها از مسیر توسل به اهل بیت و محور قرار دادن امام زمان (عج) در تمام شئون زندگی می گذرد. امید است با درک این حقایق، در زمره یاران حقیقی آن حضرت قرار گیریم.

شماره ۴: صبر و مردداری در مسیر انتظار (تفسیر آیات مهدوی - جزء چهارم)

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۲۰۰

خداوند متعال در این آیه شریفه، مؤمنان را به صبر و پایداری دعوت نموده و می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را پاس بدارید [و پیوند خود را با امام برقرار سازید] و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.)

ابعد سه گانه استقامت:

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به «برید بن معاویه» پیرامون تفسیر این آیه، وظایف مؤمنان را در سه ساحت تبیین فرمودند:

۱. «اصبروا علی الفرائض»: صبر بر انجام واجبات. انجام فرایض الهی همچون روزه در روزهای گرم، پرداخت وجوهات شرعی (خمس و زکات)، جهاد و امر به معروف، نیازمند شکیبایی و مجاهدت با نفس است.

۲. «صابروا علی المصائب»: صبر در برابر ناملایمات. زندگی دنیوی آمیخته با سختی هاست؛ اعم از مشکلات تربیت فرزند، مسائل خانوادگی و تعاملات اجتماعی. انسان مؤمن باید در برابر این مصائب، صبور و مقاوم باشد.

۳. «ورابطوا علی الأئمه»: حفظ پیوند با امامان معصوم. امام باقر (علیه السلام) نیز در تفسیر این بخش می فرمایند: «رابطوا إمامکم المنتظر» (با امام منتظر خود تجدید عهد کنید و رابطه برقرار سازید).

حقیقت «مربطه» با امام:

مربطه و ارتباط با امام، صرفاً به معنای دیدار فیزیکی نیست؛ چرا که دیدار حضرت، آرزوی هر شیعه‌ای است اما شرط اصلی، ایجاد پیوند قلبی، علمی و عملی است. زندگی انسان منتظر باید به گونه‌ای باشد که مورد رضایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد.

لزوم دشمن‌شناسی و مقاومت:

اسلام دین ارتباط و اجتماع است. همان‌گونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان صدر اسلام با محاصره‌های اقتصادی و فتنه‌های منافقین روبرو بودند، جامعه امروز نیز با هجمه‌های دشمنان مواجه است. آیه شریفه تأکید دارد که اگر دشمنان در مسیر باطل خود استقامت می‌ورزند، مؤمنان باید در مسیر حق پایدارتر باشند.

بنابراین، وظیفه انسان منتظر در سه محور خلاصه می‌شود: انجام دقیق وظایف فردی، شناخت دشمن و ادای وظایف اجتماعی، و در نهایت تقویت رابطه عاطفی و معرفتی با امام زمان (عج). سلام دادن روزانه به حضرت (مانند قرائت زیارت آل یاسین) و شریک کردن ایشان در اعمال خیر، از راه‌های حفظ این ارتباط معنوی است.

شماره ۵: اطاعت مطلق از حجت خدا (تفسیر آیات مهدوی - جزء پنجم)

سوره مبارکه نساء، آیه ۵۹

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و اولیای امور خود [جانشینان پیامبر] اطاعت نمایید...)

ضرورت عصمت اولی الامر:

در این آیه نکات دقیقی نهفته است که ارتباط مستقیمی با مبحث مهدویت دارد:

۱. **مرجعیت حل اختلاف:** قرآن کریم دستور می‌دهد که در هنگام نزاع، به خدا و رسول مراجعه شود. این امر نشان می‌دهد که تعیین مصداق «اولی الامر» نیز باید توسط خدا و پیامبر صورت گیرد، نه انتخاب مردم.

۲. **عصمت شرط اطاعت:** خداوند در قرآن از اطاعت مسرفان، مفسدان و جاهلان نهی کرده است. حال که در این آیه دستور به اطاعت مطلق («أَطِيعُوا») داده شده، بیانگر آن است که «اولی الامر» باید همچون پیامبر، معصوم از هر گونه خطا و گناه باشند. عصمت به معنای آن است که امام نه تنها گناه نمی‌کند، بلکه به دلیل آگاهی کامل از حقیقت اعمال و زشتی گناه، حتی فکر گناه را نیز به ذهن راه نمی‌دهد.

مصدق اولی الامر:

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که پس از نزول این آیه، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره هویت اولی الامر پرسید. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان بعد از من هستند.» سپس نام دوازده امام را برشمردند که از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آغاز و به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ختم می شود.

پیامبر (ص) فرمودند: «کسی که آنان را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و کسی که نافرمانی آنان کند، مرا نافرمانی کرده است.»

تمرین اطاعت پذیری:

اطاعت از امام، زندگی انسان را در مسیر صحیح قرار می دهد و مانع از نفوذ شیطان می شود. تاریخ گواه است که هرگاه یاران ائمه اهل اطاعت بودند، مسیر هموار شد و هرگاه نافرمانی کردند (مانند ماجرای صلح امام حسن یا واقعه عاشورا)، امام تنها ماند.

نکته مهم این است که کسانی که از نایب امام اطاعت نکنند، از خود امام نیز اطاعت نخواهند کرد. در دوران غیبت، اطاعت از نایب عام امام و رعایت قوانین شرعی و اجتماعی، تمرینی برای ولایت پذیری و آمادگی جهت سربازی در رکاب حضرت حجت (عج) است. همان گونه که در دعای عهد می خوانیم، یکی از ویژگی های یاران حضرت، «الْمُمْتَلِينَ لِأَمْرِهِ» (اطاعت کنندگان از دستورات او) است.

سوره مبارکه مائده، آیه ۵۴

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ...»

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد، [به خدا زبانی نمی‌رساند]؛ خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند...)

ذخایر الهی برای یاری قائم:

امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «یاران صاحب این امر برای او ذخیره شده‌اند... آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره ایشان فرمود: به زودی خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد.»

این آیه ویژگی‌های برجسته‌ای را برای یاران امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) برمی‌شمارد که شرط قرار گرفتن در زمره منتظران واقعی است:

۱. **توحیدمحوری و حب الهی:** رابطه این افراد با خداوند، رابطه‌ای عاشقانه و دوطرفه است («يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»). تمام شؤونات زندگی آنان، رنگ و بوی خدایی دارد و محور فعالیت‌هایشان کسب رضایت پروردگار است.

۲. **صلابت و استحکام ایمان:** امام صادق (ع) قلب‌های آنان را به پاره‌های آهن تشبیه کرده‌اند؛ یعنی ایمانی راسخ دارند که هیچ شک و شبهه‌ای در آن راه نمی‌یابد.

۳. **رفتار دوگانه با دوست و دشمن:** آنان در برابر مؤمنان، فروتن و مهربان‌اند، اما در برابر دشمنان و کافران، نفوذناپذیر و مقتدر هستند («أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»).

۴. **شجاعت و نترسیدن از سرزنش‌ها:** در راه انجام وظیفه و جهاد فی سبیل الله، از ملامت هیچ سرزنش کننده‌ای هراس ندارند.

صلاحیت برای همراهی با مصلح:

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفت را از شیعیان ما دور می‌سازد و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن قرار می‌دهد و به هر مرد آنان، نیروی چهل مرد را عطا می‌کند.»

بنابراین، افراد ترسو و سست عنصر جایگاهی در این قیام عظیم ندارند. کسی که منتظر «مصلح» جهانی است، خود باید «صالح» باشد. انتظار واقعی با گناه و آلودگی سازگار نیست؛ بلکه نیازمند تقوا، ورع (پرهیزکاری شدید) و محاسن اخلاقی است. اگر می‌خواهیم یار حضرت باشیم، باید توحید را اصل حاکم بر زندگی خود قرار دهیم و خانه‌ی دل را برای آن مهمان عزیز مهیا سازیم.

شماره ۷: سنت استدراج و غفلت از ولایت (تفسیر آیات مهدوی - جزء هفتم)

سوره مبارکه انعام، آیه ۴۴

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ»

(پس چون آنچه را که به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم؛ تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شادمان و مغرور گشتند، ناگاه آنان را گرفتیم و در آن هنگام، نومید و حیران شدند.)

تفسیر روایی و مصادیق تاریخی:

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه، مصداق «فراموشی تذکرات» را رها کردن ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌دانند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، جامعه اسلامی با انحراف از مسیر غدیر و روی آوردن به سقیفه، ولایت الهی را فراموش کرد. خداوند نیز به عنوان «سنت استدراج»، درهای نعمت‌های ظاهری دنیوی را بر آنان گشود تا در غفلت فرو روند.

طبق فرمایش ایشان، عبارت «أَخَذْنَاَهُمْ بَغْتَةً» (ناگهان آنان را گرفتیم)، اشاره به زمان قیام حضرت مهدی (عج) دارد که بساط ظالمان به صورت ناگهانی برچیده شده و آنان دچار یأس و حیرت («مُبْلَسُونَ») خواهند شد.

نکات کلیدی و آموزه‌ها:

۱. **خطر رفاه غفلت‌زا (سنت استدراج):** وفور نعمت همیشه نشانه رضایت الهی نیست. گاه خداوند گناهکاران و طغیانگران را با فزونی نعمت می‌آزماید؛ اگر این نعمت‌ها بیدارکننده نباشد، سبب غرور و سنگین‌تر شدن پرونده اعمال شده و مجازات نهایی را دردناک‌تر می‌کند.
۲. **قیام مهدوی؛ پایان بخش ظلم:** برخورد حضرت مهدی (عج) با ظالمان، همچون جراحی حاذق است که غده چرکین فساد را قطع می‌کند. اگرچه این روند ممکن است با سختی‌هایی همراه باشد، اما نتیجه آن سلامت و عدالت فراگیر است.
۳. **امید و آمادگی در دعای ندبه:** منتظران واقعی، با زمزمه فرازهایی چون «مَتَّى تَرَانَا وَ نَرَاكَ...» (کی می‌شود تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم...)، آرزوی دیدار حکومتی را دارند که در آن پرچم‌های پیروزی برافراشته شده و ریشه مستکبران قطع گردیده است.

شماره ۸: انتظار؛ اعتراض به وضع موجود و حرکت به سوی مطلوب (تفسیر آیات مهدوی - جزء هشتم)

سوره مبارکه اعراف، آیه ۷۱

«...فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»

(...پس منتظر باشید، که من هم با شما از منتظرانم.)

جایگاه والای انتظار:

امام رضا (علیه السلام) با استناد به این آیه، بر زیبایی و فضیلت صبر و انتظار گشایش تأکید ورزیده‌اند. پیامبر اکرم (ص) نیز «انتظار فرج» را برترین عبادت («أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ») نامیده‌اند. اما پرسش اساسی این است: کدام انتظار ارزشمند است؟

مفهوم‌شناسی انتظار پویا:

۱. **انتظار، عمل است نه حالت:** در روایات، انتظار به عنوان «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» (برترین اعمال) یاد شده است، نه صرفاً یک حالت روحی. این بدان معناست که انتظار با سکون و بی تفاوتی سازگار نیست، بلکه نیازمند حرکت، جهاد و پویایی است.
۲. **افق دید منتظر:** ارزش هر انسان به وسعت آرزوهای اوست. انتظار منجی، به معنای امید به صلح، عدالت و امنیت جهانی است. بنابراین، منتظر واقعی کسی است که دغدغه‌هایی به وسعت جهان دارد و به اصلاح‌گری در مقیاس بشریت می‌اندیشد.
۳. **اعتراض به وضع موجود:** انتظار، نوعی اعتراض مقدس به بی‌عدالتی‌ها و نظام‌های طاغوتی است. در دعای افتتاح با عبارت «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ...» (خدایا به تو شکایت می‌کنیم...) نارضایتی خود از وضعیت غیبت را ابراز کرده و آرزوی دولت کریمه را فریاد می‌زنیم.

وظیفه منتظران:

کسی که منتظر «مصلح» است، باید خود «صالح» باشد. نمی‌توان بدون هیچ تلاشی در راه حق و عدالت، ادعای یاری امام زمان (عج) را داشت. انتظار فرج یعنی خودسازی و دگرسازی برای زمینه‌سازی ظهور؛ و این مسیری است که مخلصان را از مدعیان دروغین جدا می‌سازد.

شماره ۹: ایمان و تقوا؛ کلید گشایش برکات در عصر ظهور (تفسیر آیات مهدوی -

جزء نهم)

سوره مبارکه اعراف، آیه ۹۶

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...»

(و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم...)

رابطه معنویت و رفاه مادی:

این آیه شریفه بر یک قانون کلی در نظام هستی دلالت دارد: «باز شدن درهای برکت، مشروط به ایمان و تقواست». برکت به معنای خیر پایدار و فزاینده است که شامل نعمت‌های مادی (رزق، امنیت) و معنوی (علم، عمر) می‌شود.

عصر ظهور؛ تجلی کامل برکات:

دوران حکومت حضرت مهدی (عج)، مصداق اتم این آیه است. طبق روایات، در آن زمان به دلیل حاکمیت عدالت، امنیت فراگیر و رشد عقلانیت و معنویت بشر، زمین و آسمان تمام ذخایر و برکات خود را آشکار می‌سازند. در آن دوران، مدیریت منابع و سبک زندگی بر اساس الگوی الهی اصلاح شده و فقر و ناامنی ریشه کن می‌شود.

پاسخ به یک شبهه انحرافی:

برخی به استناد روایاتی که می‌فرماید «زمین پر از ظلم می‌شود تا امام ظهور کند»، معتقدند نباید اقدامی برای اصلاح جامعه انجام داد یا حتی باید به فساد دامن زد! این برداشتی کاملاً غلط و مخالف قرآن است. آیه فوق تصریح می‌کند که گشایش برکات، نتیجه «ایمان و تقوا» است، نه فساد. وظیفه شیعیان در عصر غیبت، تلاش برای برپایی قسط، مبارزه با ظلم (مانند انقلاب اسلامی) و تربیت نسلی صالح است. نمی‌توان منتظر روشنایی خورشید بود، اما در تاریکی شب هیچ چراغی روشن نکرد. انتظار واقعی تلفیقی از «دعا» و «تلاش» است؛ همان‌گونه که رزمندگان اسلام در دفاع مقدس، هم اهل مناجات بودند و هم اهل جهاد.

شماره ۱۰: تلاش مذبحخانه دشمن در برابر نور الهی (تفسیر آیات مهدوی - جزء دهم)

سوره مبارکه توبه، آیه ۳۲

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»

(می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند.)

تداوم توطئه دشمنان:

فعل «یُرِيدُونَ» (می‌خواهند) دلالت بر استمرار دارد. دشمنان در طول تاریخ همواره در تلاش بوده‌اند تا نور هدایت الهی را خاموش کنند. امام کاظم (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: آنان می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین (ع) را خاموش کنند، اما خداوند نور خود را با ولایت حضرت مهدی (عج) کامل خواهد کرد.

شیوه‌های دشمن در تقابل با مهدویت:

تعبیر «بِأَفْوَاهِهِمْ» (با دهان‌هایشان) اشاره به جنگ نرم، تبلیغات سوء و شایعه‌پراکنی دارد. تلاش دشمن همچون فوت کردن به خورشید، بیهوده اما مداوم است. برخی از مصادیق این دشمنی در عصر حاضر عبارتند از:

۱. **تحریف و شبه‌افکنی:** تربیت مستشرقان و به ظاهر متخصصانی که با هدف تخریب مبانی مهدویت فعالیت می‌کنند.

۲. **ساخت مدعیان دروغین:** ایجاد فرقه‌های انحرافی و حمایت از کسانی که به دروغ ادعای مهدویت یا ارتباط خاص دارند.

۳. **وارونه‌نمایی رسانه‌ای:** معرفی منجی عالم بشریت به عنوان دجال یا عنصر خشونت‌طلب در فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای.

وظیفه منتظران؛ جهاد تبیین و دشمن‌شناسی:

جامعه منتظر نباید در برابر این حمله‌ها منفعل باشد. راهکار مقابله با این توطئه‌ها، «دشمن‌شناسی»، «ارتقای معرفت دینی» و «افشاگری نقشه‌های دشمن» است. باید زیبایی‌های دوران ظهور و شخصیت پرمهر امام زمان (عج) را برای جهانیان تبیین کرد تا ابرهای تیره تبلیغات، مانع تابش این خورشید نگردند.

شماره ۱۱: منطق عقلانی در پذیرش رهبر الهی (تفسیر آیات مهدوی - جزء یازدهم)

سوره مبارکه یونس، آیه ۳۵

«...أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ ۚ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»

(...آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است، یا کسی که خود هدایت نمی شود مگر آنکه هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟)

شایسته سالاری در امامت:

این آیه شریفه، وجدان و عقل بشری را به داوری فرامی خواند. در امر هدایت، دو گروه قابل تصورند:

۱. کسانی که ذاتاً در مسیر حق هستند و دیگران را هدایت می کنند (معصومین).

۲. کسانی که خود نیازمند هدایت دیگران اند و ممکن است دچار خطا شوند.

عقل سلیم حکم می کند که پیروی از گروه اول واجب است. امام رضا و امام باقر (علیهما السلام) مصداق «مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» را پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) معرفی کرده اند.

عصمت؛ شرط ضروری رهبری:

رهبر جامعه اسلامی باید کسی باشد که حتی لحظه ای در گمراهی یا خطا نبوده باشد تا بتواند با اطمینان، جامعه را به سر منزل مقصود برساند. در عصر حاضر، حضرت مهدی (عج) تنها کسی است که به عنوان حجت خدا و «خليفة الله»، دارای علم لدنی و مقام عصمت است.

بنابراین، شایسته ترین فرد برای مدیریت جهان و هدایت بشریت، امام زمان (عج) است. وظیفه ماست که سبک زندگی، ارزش ها و بینش خود را با رضایت این رهبر الهی تنظیم کنیم و تسلیم او باشیم.

شماره ۱۲: بقیة الله؛ ذخیره ارزشمند الهی (تفسیر آیات مهدوی - جزء دوازدهم)

سوره مبارکه هود، آیه ۸۶

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...»

(آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید...)

مفهوم «بقیة الله»:

در ظاهر آیه، مراد از «بقیة الله» سود و سرمایه حلالی است که پس از رعایت انصاف در معامله باقی می ماند. اما در تاویل روایی، به هر وجود مبارکی که به اراده الهی برای هدایت بشر باقی بماند، اطلاق می شود. حضرت مهدی (عج) مصداق اتمّ و اکمل «بقیة الله» است؛ چرا که آخرین ذخیره الهی برای نجات بشریت می باشد.

طبق روایت امام باقر (علیه السلام)، هنگامی که حضرت ظهور می کنند، به دیوار کعبه تکیه داده و نخستین سخنشان تلاوت این آیه است و می فرمایند: «منم بقیة الله و حجت خدا بر شما».

رابطه لقمه حلال و ولایت مداری:

این آیه در سیاق آیات مربوط به حضرت شعیب (ع) و نهی از کم فروشی آمده است. پیوند عجیبی میان «مال حلال» و «پذیرش ولایت» وجود دارد.

۱. **لقمه حرام، مانع شناخت امام:** در روز عاشورا، امام حسین (ع) خطاب به سپاه دشمن فرمودند: «شکم هایتان از حرام پر شده است»، لذا کلام حق در آنان اثر نکرد.

۲. **شرط یاری امام:** کسی که می خواهد یار امام زمان باشد، باید زندگی اقتصادی پاکی داشته باشد. عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن طلب روزی حلال است. مال شبهه ناک، قلب را تیره و توفیق سربازی ولایت را سلب می کند.

غربتِ ذخیره الهی:

امام زمان (عج) نعمتی است که خداوند برای بشریت ذخیره کرده است، اما ناسپاسی و عدم آمادگی مردم سبب غیبت ایشان شده است. غیبت امام، بزرگترین بحران برای بشریت است؛ اما متأسفانه آن گونه که برای فقدان نعمت های مادی (آب، برق و...) نگران می شویم، برای فقدان امام اضطرار

نداریم. درک ارزش این «بقیة الله» و تلاش برای کسب آمادگی (با تقوا و مال حلال)، شرط اصلی پایان این هجران است.

شماره ۱۳: یوسف زهرا و آزمون شناخت (تفسیر آیات مهدوی - جزء سیزدهم)

سوره مبارکه یوسف، آیه ۵۸

«وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَّفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»

(و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند. پس او آنان را شناخت، ولی آنان او را نشناختند.)

شبهات‌های حضرت مهدی (عج) با انبیاء:

امام باقر (علیه السلام) در پاسخ به «محمد بن مسلم» پیرامون ویژگی‌های قائم آل محمد (عج)، به شبهات‌های ایشان با پنج تن از پیامبران اشاره می‌فرماید. یکی از این شبهات‌ها، شبهات به حضرت یوسف (ع) است. همان‌گونه که یوسف در میان برادران بود اما آنان او را نمی‌شناختند، امام زمان (عج) نیز در میان مردم حضور دارند، آنان را می‌شناسند، در بازارها و مجالسشان تردد می‌کنند، اما مردم ایشان را نمی‌شناسند.

همچنین ایشان در «ولادت مخفی» به حضرت ابراهیم (ع)، در «طول عمر و سیمای جوان» به حضرت عیسی (ع) و حضرت یونس (ع) شبهات دارند. روایات تأکید دارند که حضرت هنگام ظهور، با سیمایی جوان (حدود چهل ساله) نمایان می‌شوند که نشان از قدرت الهی دارد.

حقیقت غیبت؛ حضور ناشناس:

نکته کلیدی در داستان حضرت یوسف، مسئله «شناخت» است. غیبت امام زمان (عج) به معنای عدم حضور نیست، بلکه به معنای «ناشناس بودن» است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «خداوند کار او را پوشیده می‌دارد... او با مردم معاشرت می‌کند و آنان او را می‌بینند اما نمی‌شناسند.»

بنابراین، بسیاری از مردم هنگام ظهور می گویند: «ما ایشان را پیش از این دیده بودیم.»

ضرورت کسب معرفت:

گرفتاری بشر و محرومیت از دیدار حجت خدا، ریشه در قدرناشناسی و عدم معرفت صحیح دارد. امام همچون خورشیدی است که حیات معنوی انسان وابسته به اوست؛ کسی که خانه‌اش را رو به خورشید نسازد، خود را از نور و گرما محروم کرده است.

زراره از امام صادق (ع) پرسید: در دوران غیبت چه کنیم؟ حضرت فرمودند بر دعای معرفت («اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...») مداومت کنید. منتظر واقعی باید به گونه‌ای زندگی کند (در ظاهر، باطن، اخلاق و عبادات) که اگر امام را دید، شرمنده نشود. فرج نیازمند صبر توأم با تقواست و این مسیر، انسان را به جایگاهی می‌رساند که گویی در خیمه حضرت حضور دارد.

شماره ۱۴: پرهیز از شتاب‌زدگی و تسلیم در برابر حکمت الهی (تفسیر آیات مهدوی - جزء چهاردهم)

سوره مبارکه نحل، آیه ۱

«أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»

(فرمان خدا فرارسیده است، پس برای [آمدن] آن شتاب مکنید. او منزّه و برتر است از آنچه [با او] شریک می‌سازند.)

شمولیت فرمان الهی:

اگرچه شأن نزول آیه درباره عجله کفار برای نزول عذاب است، اما عبارت «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ» شامل تمام فرمان‌های قطعی خداوند از جمله فرمان جهاد، برپایی قیامت و «فرمان ظهور حضرت مهدی (عج)»

می شود. استفاده از فعل ماضی («أتی»؛ آمد) برای رویدادی که در آینده رخ می دهد، نشان دهنده قطعیت و حتمی بودن وعده های الهی است.

آفت استعجال (شتاب زدگی):

یکی از آسیب های جدی در فرهنگ انتظار، «استعجال» یا عجله کردن بدون منطق است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «وقت گذاران دروغ گفتند، شتاب کنندگان هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند.»

شتاب زدگی و تعیین وقت برای ظهور، پیامدهای خطرناکی دارد:

۱. **ایجاد یأس و تردید:** اگر ظهور در زمانی که فرد عجزول انتظار دارد رخ ندهد، او دچار شک در اصل مهدویت می شود.

۲. **گرایش به مدعیان دروغین:** افراد عجزول طعمه شیادانی می شوند که با ادعای نزدیکی ظهور یا ارتباط خاص، دکان باز کرده اند.

تفاوت اشتیاق با استعجال:

منتظر واقعی، در عین حال که مشتاق ظهور است و برای تعجیل در فرج دعا می کند، در برابر حکمت و اراده الهی کاملاً «تسلیم» است. امام صادق (ع) می فرمایند: «خداوند به خاطر شتاب مردم، شتاب نمی کند. این امر مدتی دارد که باید پایان پذیرد و ساعتی پیش و پس نمی شود.» نجات در تسلیم بودن و انجام وظایف در دوران غیبت است.

سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۱

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ...»

(روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم...)

نقش محوری رهبری در سعادت و شقاوت:

طبق تفسیر امام باقر (علیه‌السلام)، در روز قیامت هر امتی با امام زمان خود محشور می‌شود. قرآن کریم دو نوع پیشوا را معرفی می‌کند:

۱. امام نور (هدایت): «أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء و اولیای الهی که به امر خدا هدایت می‌کنند).
۲. امام نار (ضلالت): «أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (سران کفر و طاغوت که مردم را به آتش می‌خوانند).

معیار رستگاری در قیامت:

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «هر کس از امامان منصوب از جانب خدا پیروی کند، با من محشور می‌شود و هر کس آنان را تکذیب کند یا به آنان ظلم نماید، از من نیست.»

این آیه هشدار است که مسئله ولایت و رهبری، صرفاً یک بحث سیاسی یا تاریخی نیست، بلکه حقیقت دین‌داری است که سرنوشت ابدی انسان را رقم می‌زند. انسان ناگزیر است الگویی داشته باشد؛ اگر امام حق را نپذیرد، قطعاً پیرو امام باطل خواهد شد.

عوامل جدایی از امام حق:

چه چیز باعث می‌شود افرادی مانند طلحه، زبیر یا خوارج، با وجود سوابق درخشان، از امام زمان خود (امیرالمؤمنین ع) جدا شوند؟

- **دنیاطلبی و قدرت خواهی:** حب مقام و ثروت، انسان را در برابر امام قرار می دهد.
 - **بی بصیرتی و جهل:** عدم شناخت مقام والای امام و نداشتن تحلیل صحیح از شرایط (مانند خوارج).
 - **اطاعت از غیر خدا:** پیروی از دستوراتی که با شریعت و توحید مغایرت دارد.
- بنابراین، شناخت امام زمان (عج) و اطاعت از نایبان برحق ایشان در دوران غیبت، تنها راه نجات از پیروی «ائمه نار» و طاغوت های زمانه است.

شماره ۱۶: انتظار پویا؛ تقابل با ظلم و بی تفاوتی (تفسیر آیات مهدوی - جزء شانزدهم)

سوره مبارکه طه، آیه ۱۳۵

﴿قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ﴾

(بگو: همه در انتظارند؛ پس شما هم منتظر باشید، که به زودی خواهید دانست یاران راه راست و راه یافتگان چه کسانی هستند.)

منتظران واقعی (اصحاب صراط سوی):

امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر این آیه، «اصحاب صراط سوی» (یاران راه راست) را همان حضرت مهدی (عج) و پیروان راستین ایشان معرفی کرده اند.

نقد قرائت های غلط از انتظار:

انتظار، ویژگی فطری بشر برای رسیدن به کمال و عدالت است. اما در دوران غیبت، قرائت های انحرافی از انتظار وجود دارد که باید اصلاح شود:

۱. **انتظار ویرانگر:** گروهی معتقدند باید جامعه پر از فساد شود تا امام بیاید؛ لذا امر به معروف را تعطیل می کنند.

۲. **انتظار منفعلانه:** گروهی می گویند چون کاری از دست ما بر نمی آید، تکلیفی نداریم و باید کنج عزلت گزید.

۳. **مخالفت با تشکیل حکومت:** برخی تشکیل هر حکومتی قبل از ظهور را باطل می دانند.

ویژگی های انتظار سازنده:

این آیه و روایات مهدوی، منطق انفعال و ذلت پذیری را رد می کنند.

- **استقامت و مبارزه:** مؤمنان نباید در برابر ظلم ظالمان شتاب زده عمل کنند (که منجر به یأس شود) و نه سکوت کنند. بلکه باید با «صبر و استقامت»، در برابر جریان باطل بایستند.
- **خودسازی و دگرسازی:** منتظر واقعی هم خود را می سازد (با تقوا در اقتصاد، خانواده و سیاست) و هم جامعه را.
- **اطاعت از نایب عام:** در عصر غیبت، اطاعت از ولی فقیه و علمای بصیر، تمرینی برای اطاعت از امام معصوم است.
- **اقدام به قدر وسع:** اگر اصلاح کامل ممکن نیست، به اندازه توان باید تلاش کرد («آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید»).

سوره مبارکه انبیاء، آیه ۱۰۵

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ...»

(و ما در زبور، پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد...)

وعده حتمی حکومت جهانی:

این آیه پاسخی قاطع به تردیدافکنی دشمنان است. خداوند با تأکید فراوان («لَقَدْ كَتَبْنَا») وعده داده است که آینده جهان و حکومت زمین («الْأَرْضَ») به طور مطلق از آن صالحان خواهد بود. این بشارت در کتب آسمانی پیشین (زبور داوود و تورات) نیز ثبت شده است که نشان می‌دهد «منجی گرای» باوری جهانی و مشترک میان ادیان است.

شرط وراثت زمین:

خداوند دو ویژگی کلیدی را برای وارثان زمین بیان کرده است:

۱. **عبودیت («عِبَادِي»):** بندگی خالصانه خدا و دوری از شرک.

۲. **صلاحیت («الصَّالِحُونَ»):** داشتن عمل صالح و شایستگی‌های اخلاقی و رفتاری.

منتظر مصلح، خود باید صالح باشد:

کسی که منتظر «اباصالح» است، نمی‌تواند آلوده به گناه و ظلم باشد. تحقق این وعده الهی، نیازمند تربیت نیروی انسانی کارآمد است. شاید دلیل تأخیر در ظهور، عدم تکمیل حدنصاب این «بندگان صالح» باشد؛ یارانی که همچون مالک اشتر، عمار یا شهدای عصر حاضر (شهید سلیمانی، شهید صیاد شیرازی، شهید حججی و...) دارای روحیه جهادی، بصیرت و تقوا باشند.

تفکر منتظر باید «جهانی» باشد. نمی توان با نگاه های قومی، قبیله ای و حزبی، سرباز حکومتی شد که قرار است عدالت را در سراسر گیتی بگسترده.

شماره ۱۸: امنیت و اقتدار؛ پاداش ایمان و عمل (تفسیر آیات مهدوی - جزء هجدهم)

سوره مبارکه نور، آیه ۵۵

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»

(خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...)

چشم انداز تمدن مهدوی:

این آیه ترسیم کننده سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است. خداوند چهار وعده بزرگ به مؤمنان داده است:

۱. **استخلاف (حکومت):** صالحان جانشینان و حاکمان زمین خواهند شد.

۲. **تمکین دین:** دین اسلام به عنوان دین مورد رضایت الهی، در سراسر جهان استقرار و اقتدار می یابد.

۳. **تبدیل ترس به امنیت:** تمام کانون های ناامنی و ظلم برچیده شده و آرامش واقعی حاکم می شود.

۴. **عبودیت محض:** هدف نهایی، رسیدن به توحید ناب («يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ») است.

سنت الهی و امید به آینده:

عبارت «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» نشان می‌دهد که پیروزی حق بر باطل، یک سنت الهی در تاریخ بوده و در آینده نیز تکرار خواهد شد. این وعده، به مؤمنان امید می‌بخشد تا در برابر فشارها و سختی‌ها مأیوس نشوند.

پیوند دین و سیاست:

آیه تصریح می‌کند که نتیجه حکومت صالحان، استقرار دین و عبادت خداست. این امر نشان می‌دهد که دین از سیاست جدا نیست؛ بلکه حکومت ابزاری برای اجرای احکام الهی و بسترسازی برای بندگی است.

کلید رسیدن به این مدینه فاضله، در دستان خود مردم است: «الَّذِينَ آمَنُوا... وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ». اگر جامعه ایمانی شود و عمل صالح فراگیر گردد، وعده استخلاف محقق خواهد شد.

شماره ۱۹: ندای آسمانی و آزمون تشخیص حق (تفسیر آیات مهدوی - جزء نوزدهم)

سوره مبارکه شعراء، آیه ۴

«إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»

(اگر بخواهیم، از آسمان نشانه‌ای بر آنان نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد.)

ندای آسمانی؛ معجزه بیدارگر:

طبق روایات متعدد از امیرالمؤمنین و امام صادق (علیهما السلام)، مصداق اتم این «آیه و نشانه»، ندای آسمانی است که در ماه مبارک رمضان (شب بیست و سوم) شنیده می‌شود. این صدا که توسط جبرئیل امین ابلاغ می‌گردد، خفتگان را بیدار و بیداران را هراسان می‌کند و نام حضرت مهدی (عج) را به گوش جهانیان می‌رساند. خداوند حکیم برای امری به عظمت ظهور، نشانه‌ای اعجاز گونه قرار داده تا حجت بر همگان تمام شود.

تقابل حق و باطل و فتنه شبهه افکنی:

زراره از امام صادق (ع) پرسید: با وجود چنین نشانه آشکاری، چگونه ممکن است کسی با حضرت مخالفت کند؟ امام فرمودند: شیطان نیز بیکار نمی نشیند و ندایی شبیه به آن ایجاد می کند تا در دلها تردید افکند.

این موضوع بیانگر پیچیدگی فتنه های آخرالزمان است. دشمن با بهره گیری از تکنولوژی و جنگ رسانه ای، سعی در شبیه سازی علائم و جابجایی حق و باطل دارد.

راه نجات:

۱. **مراجعه به متخصصان دین:** در فضای غبار آلود فتنه، تنها راه نجات، تمسک به علمای اصیل و بصیر است.

۲. **خودسازی:** امام صادق (ع) فرمودند امر ما از خورشید روشن تر است؛ اگر کسی گمراه می شود، دلیلش ضعف درونی، حب دنیا و لقمه حرام است.

شماره ۲۰: رجعت؛ بازگشت شکوه و حسرت (تفسیر آیات مهدوی - جزء بیستم)

سوره مبارکه نمل، آیه ۸۳

«وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»

(و روزی که از هر امتی گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم، پس آنان نگاه داشته می شوند.)

تفاوت رجعت و قیامت:

امام صادق (ع) با استناد به عبارت «مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» (از هر امتی گروهی)، استدلال می‌کنند که این آیه مربوط به قیامت نیست (چرا که در قیامت همه محشور می‌شوند)، بلکه مربوط به «رجعت» است. رجعت از عقاید اختصاصی شیعه و یکی از مصادیق «ایام‌الله» (در کنار روز ظهور و روز قیامت) است.

فلسفه رجعت:

۱. **عزت مؤمنان:** مؤمنان خالص که آرزوی یاری دولت کریمه را داشتند، باز می‌گردند تا ثمره استقامت خود و شکوه اسلام را ببینند. (مانند سلمان، مالک اشتر و...)

۲. **ذلت تبهاران:** دشمنان سرسخت خدا باز گردانده می‌شوند تا خواری خود و پیروزی حق را مشاهده کنند و مجازات دنیوی شوند.

راهکار پیوستن به رجعت‌کنندگان:

خواندن دعای عهد (چهل صباح) و داشتن اشتیاق واقعی برای خدمت به امام، کلید بازگشت و نصرت حضرت است. اولین امامی که در رجعت حکومت عدل جهانی را پس از امام زمان (عج) بر عهده می‌گیرد، حضرت سیدالشهدا (ع) است.

شماره ۲۱: نعمت باطنی و شکرانه حضور (تفسیر آیات مهدوی - جزء بیست و یکم)

سوره مبارکه لقمان، آیه ۲۰

«...وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً...»

(...و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام و گسترده گردانید...)

امام؛ نعمت باطنی:

امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرمایند: «نعمت ظاهری، امام ظاهر و نعمت باطنی، امام غایب است.»

خداوند نعمت هایش را وسیع، در دسترس و متنوع قرار داده است. همان طور که نعمات مادی (سلامتی، رزق) نیاز به شکر دارند، بزرگترین نعمت معنوی یعنی «ولایت» نیز نیازمند شکرگزاری است.

چگونگی شکر نعمت امام غایب:

طبق بیان صاحب کتاب شریف «مکیال المکارم»، بهترین قدردانی از نعمت وجود امام زمان (عج)، دو عمل است:

۱. **انتظار فرج:** تلاش برای جلب رضایت حضرت و نزدیک شدن به ایشان.

۲. **دعا برای تعجیل:** که نشان دهنده دغدغه مندی شیعه است.

شکر واقعی، ترکیبی از باور قلبی (محبت) و اطاعت عملی (پرهیز از گناه) است. غفلت از این نعمت باطنی، محرومیت بزرگی است که باید با معرفت افزایی جبران شود.

شماره ۲۲: ستون هستی و واسطه فیض (تفسیر آیات مهدوی - جزء بیست و دوم)

سوره مبارکه فاطر، آیه ۴۱

«إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا...»

(همانا خداوند آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند...)

نقش تکوینی امام:

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «ما حجت های خدا در زمین و امنای او هستیم... خداوند به وسیله ما آسمان و زمین را نگاه می دارد.»

امام، «واسطه فیض» میان خالق و مخلوق است. همان گونه که نیروگاه برق برای انتقال انرژی به وسایل خانگی نیازمند مبدل (ترانس) است، بشریت برای دریافت انوار الهی نیازمند واسطه ای سنخیت دار با عالم ملکوت است.

امام محور عالم:

اگر زمین لحظه ای از حجت خدا خالی شود، اهلش را فرو می برد (مانند دریای خروشان). بنابراین، امام زمان (عج) تنها یک رهبر سیاسی نیست، بلکه «عین الله» (چشم خدا)، «أذن الله» (گوش خدا) و قلب تپنده هستی است.

راه رسیدن به توحید ناب، اتصال به این سبب متصل بین زمین و آسمان است. زندگی «امام محور»، لاجرم به زندگی «خدایی» منتهی می شود.

شماره ۲۳: حسرت تاریخ و عهدشکنی بشر (تفسیر آیات مهدوی - جزء بیست و سوم)

سوره مبارکه یس، آیه ۳۰

«يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»

(ای حسرت بر بندگان! هیچ پیامبری برای آنان نیامد مگر آنکه او را مسخره می کردند.)

ریشه غیبت؛ ناشکری مردم:

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ای ضمن اشاره به فتنه های کور آینده، می فرماید: «زمین از حجت خالی نمی ماند، اما خداوند به سبب ظلم و ستم مردم، حجت خود را از دیدگان پنهان می کند.»

داستان حضرت یوسف (ع) تکرار می‌شود؛ امام مردم را می‌شناسد و در میان آنهاست، اما مردم او را نمی‌شناسند. این «ناشناختگی» نتیجه کفران نعمت ولایت در طول تاریخ (سقیفه، عاشورا و...) است.

پایان حسرت با وفای به عهد:

تنها راه پایان دادن به این حسرت تاریخی و دوران غیبت، بازگشت به عهد و پیمان الهی است. دعای عهد به ما می‌آموزد که باید سه مرحله را طی کنیم:

۱. عهد: پیمان قلبی.

۲. عقد: گره زدن عقیده با امام.

۳. بیعت: وفاداری عملی و جان‌فشانی.

منتظر واقعی به جای نشستن و افسوس خوردن، با بصیرت و عمل، زمینه ظهور را فراهم می‌کند.

شماره ۲۴: طلوع خورشید عدالت (تفسیر آیات مهدوی - جزء بیست و چهارم)

سوره مبارکه زمر، آیه ۶۹

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...»

(و زمین به نور پروردگارش روشن گردد...)

تفسیر نور رب:

امام صادق (ع) می‌فرماید: «مراد از نور پروردگار در این آیه، امام زمین (حضرت مهدی عج) است.»

با ظهور حضرت، زمین از تاریکیِ ظلم، جهل، دروغ و فساد پاک شده و به نورِ عدالت، علم، صداقت و اخلاق روشن می‌شود.

ظهور؛ آغاز حیات واقعی:

به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ظهور امام زمان (عج) پایان دنیا نیست، بلکه «آغاز زندگی بشر» است. در آن زمان، استعدادهای نهفته انسان شکوفا می‌شود و توحید بر سراسر عالم سایه می‌افکند.

وظیفه منتظر: آیه اشاره می‌کند که اعمال انسان‌ها در محضر گواهان (پیامبران و شهدا) است. کسی که منتظر نور است، باید هم‌اکنون خود را از تاریکی گناه خارج کند و زندگی‌اش را بر مدار عدالت و حق تنظیم نماید.

شماره ۲۵: اقتدای مسیح و ائتلاف ادیان (تفسیر آیات مهدوی - جزء بیست و پنجم)

سوره مبارکه زخرف، آیه ۶۱

«وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ»

(و همانا او [عیسی] نشانه‌ای برای رستاخیز است، پس در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.)

نزول حضرت عیسی (ع):

طبق روایات فریقین (شیعه و سنی)، در زمان ظهور، حضرت عیسی (ع) از آسمان فرود می‌آیند. نکته کلیدی این بازگشت، «اقتدای مسیح به مهدی (عج)» در نماز است.

کارکرد جهانی این رویداد:

۱. اتمام حجت بر اهل کتاب: وقتی مسیحیان و یهودیان می‌بینند پیامبرشان پشت سر امام مهدی (عج) نماز می‌خواند و با ایشان بیعت می‌کند، فوج فوج به اسلام و منجی موعود می‌گروند.

۲. صلح جهانی: این رویداد منجر به یک صلح بزرگ و تسلیم شدن جبهه غرب در برابر حقیقت مهدوی می‌شود.

آیه تأکید می‌کند که پیروی از حجت خدا، تنها «صراط مستقیم» است. همراهی عیسی (ع) با مهدی (عج)، نماد وحدت ادیان ابراهیمی در هدف نهایی (استقرار توحید و عدالت) است.

شماره ۲۶: پیمان وفاداری؛ تفسیر آیه ۱۰ سوره فتح

«إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنَّا فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنَّا فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنَّا فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنَّا»

(به یقین کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند؛ دست خدا بالای دست آنان است. پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار ماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او خواهد داد.)

این آیه شریفه به موضوع مهم «بیعت» اشاره دارد. در تفسیر مهدوی این آیه، سخن از چگونگی بیعت با امام زمان (عج) و لزوم جدی گرفتن این پیمان است.

حقیقت بیعت

بیعت به معنای پیمان و تعهد است. کسی که با دیگری بیعت می‌کند، گویی مال و جان خود را برای اهداف او در معرض فروش قرار می‌دهد. جابر بن عبدالله انصاری در توصیف «بیعت رضوان» می‌گوید: «زمانی که ما در زیر درخت با پیامبر اکرم (ص) برای جانبازی و عدم فرار در جنگ‌ها پیمان بستیم، بیعتی بسیار زیبا و معنوی شکل گرفت.»

خداوند متعال برای بیان لطف خود نسبت به وفاداران، در این آیه از دو تعبیر امیدبخش استفاده کرده است: یکی «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (دست حمایت خدا بالاتر از همه دست‌هاست) و دیگری «أَجْرًا عَظِيمًا» (پاداش بزرگ). اما در مقابل، برای بیان قهر خود نسبت به پیمان‌شکنان می‌فرماید: «يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ»؛ یعنی دود این پیمان‌شکنی به چشم خودشان می‌رود.

بیعت با ولی خدا، بیعت با خداست

بیعت گرفتن از مردم منافاتی با توحید و توکل ندارد؛ زیرا عمل و تصمیم پیامبر (ص) و اولیای الهی، تجلی اراده و خواست خداوند است. پیامبر عزیز ما به چیزی جز اراده خدا اقدام نمی‌کند، لذا قرآن می‌فرماید: «يُبَايِعُونَكَ... يُبَايِعُونَ اللَّهَ» (بیعت با تو، بیعت با خداست).

حمایت از رهبر الهی، حمایت خداوند را در پی دارد. خداوند به حمایت کسی نیاز ندارد، اما ما با خدایی طرف هستیم که قدرتش فوق تمام قدرت‌هاست. پیمان‌شکنی نوعی خودشکنی و سقوط است؛ بنابراین باید بر عهدی که با خدا، امام و حجت الهی می‌بندیم، استوار بمانیم.

مراتب وفاداری در دعای عهد

درس بزرگ این آیه، لزوم ایجاد وفاداری عمیق نسبت به امام عصر (عج) است. یکی از ادعیه‌ای که بر مسئله بیعت تأکید دارد، «دعای عهد» است. در فرازی از این دعا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا... عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً».

بسیاری گمان می‌کنند که سه واژه «عهد»، «عقد» و «بیعت» هم‌معنا هستند، در حالی که این‌طور نیست و هر یک بیانگر مرحله‌ای از وفاداری‌اند:

۱. **تجدید عهد:** بستن پیمان اولیه با حضرت مهدی (عج).

۲. **تجدید عقد:** محکم کردن این تعهد (عقد به معنای گره زدن است).

۳. تجدید بیعت: مرحله نهایی و سرسپردگی کامل.

این مراتب را می توان به مراحل ساخت یک بنا تشبیه کرد: ابتدا دیوارچینی با آجر (عهد)، سپس استحکام بخشی با گچ و خاک (عقد) و در نهایت سفید کاری و تکمیل نهایی (بیعت).

هشدار رسول خدا (ص)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خداوند عزوجل در روز قیامت با سه گروه سخن نخواهد گفت، به آنان نظر رحمت نخواهد کرد و آنان را به عذابی دردناک گرفتار می سازد؛ یکی از آن ها کسی است که به خاطر دنیا با امامی بیعت کند؛ اگر دنیا به او رو کند وفادار می ماند و اگر دنیا به او نرسد، پیمان می شکند.»

ما باید در عمل مطیع امام خود باشیم. نشانه‌ی صدق ما در دعای عهد، عبارت «وَالْمُتَّئِينَ لَأَوْامِرِهِ» (فرمان برداران او) و «وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ» (دفاع کنندگان از او) است. باید با افزایش معرفت و پاسخگویی به شبهات، عهد خود را به روزرسانی کرده و هر صبح پیوند خود را با حجت خدا محکم تر سازیم.

شماره ۲۷: عدالت مهدوی، حیات بخش زمین؛ تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید

«اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها قد بينا لكم الايات لعلكم تعقلون»

(بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی ما نشانه‌ها را برای شما روشن بیان کردیم، باشد که بیندیشید.)

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «خداوند زمین را پس از ظهور حضرت مهدی (عج) به واسطه "عدالت" او زنده می کند، پس از آنکه با ظلم و جور رهبران گمراه مرده باشد.»

این حدیث شریف نشان می دهد که حضرت مهدی (عج) احیاگر زمین با عنصر «عدالت» است.

جایگاه عدالت در اسلام

در روایات اسلامی، عدالت جایگاهی بس رفیع دارد:

• **پیامبر اکرم (ص):** «یک ساعت عدالت ورزی، از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن به روزه و شب‌های آن به احیا بگذرد، برتر است.»

• **امیرالمؤمنین (ع):** عدالت هم مصلحت مردم است و هم اقتدا به سنت الهی. ایشان می‌فرمایند: «عدالت مایه حیات جامعه و ظلم مایه مرگ آن است.»

عدالت، محبوب فطری انسان‌هاست و حتی ستمگران نیز برای توجیه اعمال خود، سعی می‌کنند آن را عادلانه جلوه دهند. در اسلام تأکید شده است که مسئولیت‌های حساس باید بر عهده «افراد عادل» باشد.

هدف انبیاء الهی نیز طبق آیه ۲۵ سوره حدید (لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)، آن بوده است که مردم با تکیه بر ایمان و قوانین الهی، خود به عدالت قیام کنند. مهدویت، سند محکم تحقق همه‌جانبه‌ی این آرمان الهی است.

تمرین عدالت برای عصر ظهور

در حکومت مهدوی، عدالت فراگیر خواهد شد و امنیت و رفاه بر پایه آن شکل می‌گیرد. اگر ما مشتاق درک آن جامعه هستیم، باید در دوران پیش از ظهور، «تمرین عدالت» کنیم:

۱. **بعد فردی:** اصلاح ذائقه و رفتار شخصی بر مدار انصاف و عدل.

۲. **بعد اجتماعی:** مطالبه‌گری و حمایت از کارگزارانی که حداقل‌های عدالت را اجرا می‌کنند.

باید ماکتی کوچک از عدالت مهدوی را در زندگی خود پیاده کنیم. اسلام دینی تک‌بعدی نیست؛ همان‌طور که نماز دارد، زکات هم دارد؛ همان‌طور که توکل را سفارش می‌کند، بر تلاش تأکید

می‌ورزد. روح حاکم بر تمامی این دستورات، تعادل و عدالت است. جامعه‌ای که تشنه عدالت باشد، با ظهور امام عصر (عج) از حالت خمودگی و مرگ به پویایی و حیات حقیقی دست خواهد یافت.

شماره ۲۸: غلبه دین حق بر جهان؛ تفسیر آیه ۹ سوره صف

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

(او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.)

این آیه رمز پیروزی نهایی اسلام و انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) است. وعده «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» نشان می‌دهد که آینده جهان از آن اسلام است. خداوند متعال این وعده را در سه سوره از قرآن کریم (توبه آیه ۳۳، فتح آیه ۲۸ و صف آیه ۹) تکرار کرده است و بدون شک وعده الهی تخلف‌ناپذیر است.

تحقق وعده الهی در عصر ظهور

روایات متواتر تأیید می‌کنند که پیروزی نهایی اسلام بر تمام ادیان و مکاتب، در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) محقق خواهد شد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ شهر و روستایی باقی نمی‌ماند مگر اینکه هر صبح و شام صدای اذان و شهادتین در آن شنیده می‌شود.»

تاریخ اسلام خود گواهی بر این حقیقت است. دشمنان در طول تاریخ با ابزارهایی نظیر استهزاء، شکنجه، تحریم اقتصادی، جنگ‌های نظامی، توطئه‌های داخلی، ترویج فحشا و استعمار سعی در نابودی اسلام داشته‌اند؛ اما این دین مبین در طول قرن‌ها نه تنها نابود نشد، بلکه روزبه‌روز توسعه یافت.

عوامل پیروزی اسلام

در متن این آیه، چهار عامل اصلی برای این پیروزی ذکر شده است:

۱. «هُوَ الَّذِي»: اراده و امداد الهی؛ منشأ این حرکت خداست.
۲. «رَسُولَهُ»: رهبری معصوم و شایسته؛ هدایتگر این جریان فرستاده خداست.
۳. «بِالْهُدَىٰ»: پاسخ به نیاز طبیعی و فطری بشر به هدایت.
۴. «دِينَ الْحَقِّ»: حقانیت ذاتی مکتب اسلام.

برخلاف سایر مکاتب که تاریخ مصرف دارند، اسلام مکتبی جاودان و امیدآفرین است. ما باید با خودسازی و زمینه‌سازی، خود را برای یاری امامی آماده کنیم که پرچم توحید را بر بام جهان برافراشته خواهد کرد.

شماره ۲۹: امام، آب گوارای زندگی؛ تفسیر آیه ۳۰ سوره ملک

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»

(بگو: به من خبر دهید اگر آب [مورد بهره‌برداری] شما در زمین فرو رود، چه کسی آب روان و گوارا برایتان می‌آورد؟)

در تأویل این آیه، نکات بسیار عمیقی درباره وجود مقدس امام عصر (عج) نهفته است.

در روایتی آمده است که عمار یاسر در جنگ بدر از رشادت‌های امیرالمؤمنین (ع) نزد پیامبر (ص) سخن گفت. پیامبر فرمودند: «او جانشین من است و مهدی امت از نسل اوست.» عمار پرسید: مهدی کیست؟ پیامبر با استناد به همین آیه فرمودند: «او نهمین فرزند حسین است که غایب می‌شود... و این قول خداوند است که می‌فرماید: قُلْ أَرَأَيْتُمْ...»

همچنین امام باقر (ع) می‌فرمایند: «معنای آیه این است که اگر امامتان غایب شد و ندانستید کجاست، چه کسی برای شما امامی می‌آورد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام خدا را برایتان بیان کند؟»

تشنگی برای آب حیات

از تشبیه امام به «ماء معین» (آب گوارا و روان) نکات مهمی قابل برداشت است:

۱. **ضرورت حیاتی:** همان‌گونه که حیات جسمانی بدون آب ممکن نیست، حیات روحانی و معنوی نیز بدون امام ممکن نخواهد بود. مرگ در حال عدم شناخت امام، به منزله مرگ جاهلی است.
۲. **خطر غفلت:** دوری از آب موجب مرگ است؛ غفلت از امام نیز موجب مرگ دل می‌شود.
۳. **تلاش برای دست‌یابی:** اگر آب مایه حیات ما قطع شود، با تمام وجود برای یافتن آن تلاش می‌کنیم. آیا برای رهایی «پدر مهربان امت» از زندان غیبت نیز چنین اضطرار و تلاشی داریم؟

وظیفه منتظران

امام رضا (ع) از اندوه مؤمنان در فقدان این «ماء معین» سخن گفته‌اند. اما صرف افسوس خوردن و دعا کردن کافی نیست. دعا بخشی از راه است، نه تمام آن.

غیبت امام نتیجه عملکرد ماست و ظهور او نیز نیازمند تغییر در ماست. باید از خود پرسیم:

- آیا همان قدر که به امامان شهید ارادت داریم، نسبت به امام زنده و حیّ خود نیز توجه داریم؟
- سهم امام زمان (عج) در زندگی، اموال و ندورات ما چقدر است؟

باید همچون تشنه‌ای که در جستجوی آب است، در جستجوی رضایت و ظهور امام باشیم. این آب گوارا دوباره در دسترس خواهد بود، اگر ما با «اضطرار» و «تلاش عملی» زمینه را فراهم کنیم و تنها به ذکر و دعا بسنده نکنیم.

شماره ۳۰، قسم به زمانه مهدوی

سوره والعصر

احتمالات و تفاسیر عمومی واژه «عصر»

مفسران قرآن کریم برای سوگند خداوند به «عصر»، وجوه گوناگونی را ذکر کرده‌اند که هر کدام زاویه‌ای از اهمیت «زمان» را روشن می‌کند:

۱. وقت عصر (پایان روز): بسیاری آن را اشاره به زمان خاص عصر در شبانه‌روز می‌دانند. همان‌طور که خداوند به «ضحی» (آغاز روز) و «صبح» سوگند یاد کرده، به عصر نیز سوگند خورده است. اهمیت این زمان در دگرگونی نظام روز، غروب خورشید و بازگشت موجودات به مأمن خود است که نشانه‌ای از قدرت و تدبیر الهی است.
۲. نماز عصر (صلاة وُسطی): برخی مفسران، «عصر» را اشاره به «نماز عصر» می‌دانند که در قرآن به عنوان «صلاة وُسطی» (نماز میانه) مورد تأکید ویژه قرار گرفته و محافظت بر آن سفارش شده است.
۳. سراسر تاریخ بشریت: برخی این واژه را به معنای مطلق زمان و تاریخ بشر گرفته‌اند؛ چرا که زمان، ظرف وقوع تمام رویدادها، عبرت‌ها و تلاطم‌های زندگی انسان است و شایستگی سوگند الهی را دارد.

۴. فشارها و سختی‌ها؛ با توجه به ریشه لغوی «عصر» که به معنای فشردن است (مانند عصاره گرفتن)، برخی معتقدند این سوگند ناظر به فشارها و مشکلات زندگی است که انسان را از خواب غفلت بیدار کرده و جوهره‌ی وجودی او را خالص می‌گرداند.
۵. انسان کامل: گروهی از مفسران عرفانی، «عصر» را اشاره به «انسان کامل» می‌دانند که عصاره و خلاصه تمام هستی و آفرینش است.
۶. دوره‌های خاص تاریخی: برخی مفسران معتقدند این سوگند ناظر بر قطعه‌ای درخشان از تاریخ است، مانند **عصر بعثت پیامبر اکرم (ص) یا عصر ظهور حضرت مهدی (عج)** که سرنوشت بشریت در آن رقم می‌خورد.

◆ تفسیر اختصاصی مهدوی: «عصر» به مثابه‌ی دوران ظهور

در میان تمامی احتمالات فوق، آن تفسیری که سوره عصر را مستقیماً به مهدویت پیوند می‌زند، دیدگاهی است که «عصر» را «**زمان قیام و ظهور حضرت مهدی (عج)**» معرفی می‌کند. این دیدگاه تنها یک احتمال تفسیری نیست، بلکه متکی بر روایات صریح از اهل بیت (ع) است. مهم‌ترین سند در این باره، روایت **مفضل بن عمر از امام صادق (ع)** است که حضرت در آن، تک تک واژگان سوره را بر محوریت مهدویت و آخرالزمان معنا کرده‌اند.

تشریح روایت امام صادق (ع) و تطبیق آیات

امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال مفضل درباره تفسیر سوره عصر فرمودند:

«**العَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ (عج)...**»

در ادامه، شرح و بسط این تطبیق نورانی را بررسی می‌کنیم:

۱. «وَالْعَصْرِ» سوگند به دوران خروج قائم (عج)

خداوند به دورانی سوگند می خورد که غایت و هدف خلقت در آن محقق می شود. اگر عصر را به معنای «فشردن» و «عصاره» بگیریم، دوران ظهور، عصاره‌ی تمام مجاهدت‌های انبیا و اولیا در طول تاریخ است. اگر به معنای زمان بگیریم، درخشان‌ترین قطعه‌ی زمان است که عدالت جایگزین ظلمت می شود.

• پیام: عظمت دوران ظهور چنان است که خداوند با عظمت به آن سوگند یاد می کند.

۲. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ» دشمنان اهل بیت در زیان اند

امام صادق (ع) می فرماید: «يَعْنِي أَعْدَاءَنَا» (منظور دشمنان ما هستند).

چرا دشمنان در عصر ظهور در زیان مطلق هستند؟ زیرا تمام نقشه‌ها و تلاش‌های چندین قرن آنها برای نابودی حق، با قیام حضرت بر باد می رود. خسران آنها دوگانه است: هم قدرت دنیوی را از دست می دهند و هم در آخرت گرفتار عذاب الهی می شوند. در آن دوران، باطل هیچ پناهگاهی ندارد.

۳. «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» ایمان به آیات و نشانه‌های الهی

حضرت می فرماید: «يَعْنِي بَيَاتِنًا» (یعنی کسانی که به آیات ما ایمان آوردند).

در فرهنگ قرآن و روایات، ائمه اطهار (ع) بزرگترین «آیات الهی» هستند. بنابراین، شرط اول نجات در دوران سخت پیش از ظهور و هنگام ظهور، ایمان و شناخت نسبت به امام زمان (عج) است. ایمانی که با شک و شبهات دوران غیبت متزلزل نشود.

۴. «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» مواسات و برادری

حضرت مصداق اتم عمل صالح را بیان می کنند: «يَعْنِي بِمُؤَاَسَاةِ الْإِخْوَانِ» (یعنی همدردی و کمک به برادران دینی).

این بخش بسیار کلیدی است. در دوران غیبت و آخرالزمان که مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی زیاد می‌شود، منتظر واقعی کسی نیست که گوشه‌گیر باشد. «مواسات» یعنی شریک کردن دیگران در اموال و جان خود.

• **پیام مهدوی:** جامعه منتظر، جامعه‌ای بی تفاوت نیست؛ بلکه اعضای آن غمخوار و پشتیبان یکدیگرند.

۵. «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ» سفارش به امامت

امام می‌فرماید: «يَعْنِي بِالْإِمَامَةِ».

«حق» در عالی‌ترین مصداق خود، ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان اوست. مؤمنان در عصر غیبت وظیفه دارند یکدیگر را به ثبات قدم در مسیر امامت و ولایت سفارش کنند. این یعنی کار فرهنگی و اعتقادی؛ یعنی نگذاریم عقاید اطرافیانمان نسبت به امام زمان سست شود.

۶. «وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» صبر در دوران فترت (غیبت)

حضرت می‌فرماید: «يَعْنِي فِي الْفِتْرَةِ».

«فترت» به معنای فاصله زمانی میان دو پیامبر یا دوران غیبت امام است که دسترسی مستقیم به حجت خدا دشوار می‌شود.

امام صادق (ع) می‌فرماید مؤمنان باید یکدیگر را به **صبر در این دوران** توصیه کنند.

تحلیل عمیق «صبر» در این روایت:

صبر در اینجا به معنای انفعال و نشستن نیست، بلکه به معنای «مقاومت و پایداری» است. این صبر شامل موارد زیر است:

• **صبر بر طولانی شدن غیبت:** ناامید نشدن از ظهور، حتی اگر قرن‌ها طول بکشد.

- **صبر بر آزار و تمسخر:** تحمل طعنه‌های دشمنانی که باور به منجی را به سخره می‌گیرند.
- **صبر بر سختی‌های دین‌داری:** حفظ ایمان در دورانی که دین‌داری مانند «نگه داشتن آتش در کف دست» است.

بنابراین، طبق تفسیر روایی امام صادق (ع)، سوره عصر منشور و برنامه عملیاتی شیعیان در دوران غیبت است. این سوره به ما می‌گوید برای اینکه جزء زیان‌کاران نباشیم، باید چهار رکن را در زندگی پیاده کنیم:

۱. معرفت و ایمان به امام (آمَنُوا).
۲. مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کمک به دیگران (عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ - مواسات).
۳. تبلیغ و تثبیت ولایت در جامعه (تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ).
۴. امیدبخشی و دعوت به استقامت و پایداری تا زمان ظهور (تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ).

پایان